

بررسی زمینه‌های تحول در جهت وحدت اروپا در دهه هشتاد

ناصر سالم پور*

مقدمه

طرح وحدت اروپا، یکی از تحولات عمده‌ای است که در قرن حاضر در جهان، در حال تکوین است؛ این تحول ابعاد گوناگونی دارد. از دیرباز در میان صاحب‌نظران مسائل اروپا، همواره دو مبحث کلی "وحدت سیاسی" و "وحدت اقتصادی اروپا" مورد مناقشه، بررسی و تحلیل قرار داشته است. تصمیم‌گیرندگان اولیه طرح وحدت اروپا، ابتدا طرحی سه‌مرحله‌ای را (هر مرحله به مدت چهار سال و در مجموع دوازده سال) برای دستیابی به وحدت اقتصادی در نظر گرفته بودند. اینان بر اساس نظریه "اتحاد و ادغام" منطقه‌ای "ارنست هاس" معتقد بودند که با دستیابی به وحدت و همگرایی اقتصادی در میان اعضا، خودبخود، وحدت سیاسی و اشتراک عقاید میان آنها متحقق خواهد شد، اما در جریان وحدت اقتصادی به دلیل وجود موانع داخلی و بین‌المللی در اوایل دهه ۷۰ نتوانستند به نتیجه مطلوب و مورد انتظار دست یابند و علاوه بر آن به این واقعیت نیز پی بردند که توسعه وحدت سیاسی، مکانیزم جداگانه‌ای می‌طلبد.

با مساعد شدن اوضاع بین‌المللی، بویژه پس از سپری شدن دوران جنگ سرد جدید و آغاز دوره تشنج زدایی نوین (۱)، دوباره مسأله وحدت اروپا (بیش از پیش و در تمام ابعاد آن) به

طور جدی مطرح و پیگیری شد، به طوری که در حال حاضر اروپا دوباره به صورت کانون تحولات بین‌المللی درآمده است.

در عین حال اروپای دهه ۱۹۹۰ که وارد مرحله جدیدی از همگرایی و ادغام می‌شود با اروپای قرن ۱۹ فاصله زیادی دارد؛ زیرا هنوز نه تنها مرکز ثقل سیاست جهان تلقی نمی‌شود، بلکه حتی در صورت وحدت هم، در سالهای اولیه و زنه‌ای نیست که در محاسبات بین‌المللی قادر به برابری با دو ابرقدرت باشد (۲)؛ زیرا از نظر نظامی هنوز اروپا راه درازی در پیش دارد تا بتواند به عنوان یک قطب قدرت مطرح شود. در عین حال، در صورت تحقق وحدت سیاسی و اقتصادی اروپا، می‌توان گفت که تحولی در ساختار نظام بین‌المللی به وجود آمده است؛ زیرا اروپا به عنوان یک قطب اقتصادی و سیاسی قدرتمند، مسلماً به ایجاد نیروی نظامی مستقل نیز اقدام خواهد کرد و در درازمدت، راه را به سوی یک نظام چند قطبی خواهد گشود (۳).

صاحب‌نظران تخمین زده‌اند که در پایان سال ۱۹۹۲ "بازار مشترک اروپا" با بیش از ۳۲۵ میلیون نفر جمعیت، بزرگترین قطب اقتصادی-تجاری جهان خواهد شد که بازاری فعالتر و قدرتمندتر از امریکا و ژاپن در صحنه جهانی محسوب خواهد شد و با ایجاد این بازار واحد، حقوق گمرکی، محدودیتهای کمی و سهمیه‌بندیها در معاملات بین کشورهای عضو، حذف خواهد گردید و این کشورها به صورت یک قدرت تجاری و طرف معامله واحد، با قوانین مشترک، در برابر سایر کشورها عرض اندام خواهند کرد. درهای این بازار بزرگ به روی بیش از ۳۲۵ میلیون اروپایی باز خواهد شد و در این راستا ضروری است که دولتهای عضو، قوانین و مقررات داخلی و ملی خود را هماهنگ و به یکدیگر نزدیک سازند و همچنین نظامهای مالیاتی یکنواختی به وجود آورند و هرگونه محدودیتی در خصوص جابجایی افراد، سرمایه، کالا و خدمات را از میان بردارند. برخورداری از مزایای نظام رقابت آزاد اقتصادی اساس این بازار واحد و بزرگ است.

بررسی نظری مسأله

در اینجا باید اشاره کرد که روند وحدت اروپا چه راههایی را طی کرده و کدامین طرحها و نظریه‌ها را تجربه کرده تا بدینجا رسیده است و چگونه این حرکت قصد دارد درآینده آرزوهای بانیان اولیه طرح وحدت اروپا را جامه عمل بپوشاند؟ (۴) ولی قبل از آن لازم است که خود نظریه همگرایی و ادغام تعریف شود:

* برای اطلاع از رابطه این بازار با ایران به بخش ضمیمه مراجعه شود.

ارنست هاس به عنوان پیش‌تاز این حرکت، نظریه همگرایی را چنین تعریف می‌کند: "پروسه‌ای که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف، متقاعد و راغب می‌شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی خود را به سمت مرکز جدیدی که نهاد‌هایش دارای اختیارات قانونی یا متقاضی اختیارات قانونی و رأی اختیارات ملت-کشورها باشند، سوق دهند." به عبارت دیگر، همگرایی فرایندی است که دولت‌ها یا واحدهای جداگانه سیاسی به طور داوطلبانه، از قسمتی از اعمال اقتدار و حاکمیت خود چشم‌پوشی می‌کنند تا به هدف‌های مشترک و تبعیت از یک قدرت فوق ملی که بین واحدهای مختلف سیاسی به وجود می‌آید، دست یابند.

در این نظریه با این مسأله مواجهیم که چگونه امکان دارد دولتهایی که در یک فرایند همگرایی قرار می‌گیرند، هم هویت ملی خود را به طور کامل حفظ کنند و هم ضمن رسیدن به اهداف فردی خود خواسته‌های جمعی آنان تأمین شود؟ اصولاً انگیزه اصلی بسیاری از نظریه پردازان برای استفاده از این نظریه، کم کردن حساسیت واحدهای امجزای سیاسی نسبت به حاکمیت‌های جداگانه و مرزهای مشخص شده بین‌المللی است تا از این طریق و بتدریج انترناسیونالیسم^۱، جایگزین ناسیونالیسم^۲ شود و در مرحله نهایی بتوان به یک وحدت منطقه‌ای همراه با صلح پایدار نایل آمد.

بنابراین در این دیدگاه، منطقه‌گرایی^۳ نوعی تنگ نظری نسبت به جامعه بین‌المللی تلقی می‌شود، ولی برای شروع کار، وسیله خوبی است؛ چون در صورت تحقق سایر عوامل و شرایط، می‌توان از همگرایی منطقه‌ای به همگرایی جهانی، دست یافت.

وحدت اروپا

اولین اقدام اروپا در جهت وحدت سیاسی، کنگره لاهه بود که در سال ۱۹۴۸ با شرکت بیش از هزار نفر از نمایندگان مجامع ملی، مذهبی احزاب و پارلمان‌های ۱۹ کشور اروپایی تشکیل شد تا راه‌های رسیدن به وحدت را مورد مطالعه قرار دهد.

دو نظریه و طرز فکر مخالف

پس از اولین اقدام، دو طرز تفکر مخالف، شرکت‌کنندگان را به دو قسمت تقسیم کرد: در یک

1. Internationalism

2. Nationalism

3. Regionalism

طرف، آن عده که طرفدار وحدت اروپا به شیوه فدرالیسم^۴ و ایجاد سازمانهای فوق ملی^۵ بودند (مثل فرانسه و بلژیک) قرار داشتند و در طرف دیگر کسانی که همکاری ساده^۶ بین دولت‌ها را به سبک قرن ۱۹ توصیه می‌کردند (مثل انگلستان).

شورای اروپا^۷، مولود ضعیفی بود که در سال ۱۹۴۹ از تلفیق این دو نظریه به وجود آمد. دامنه صلاحیت شورای اروپا از نظر افقی بسیار وسیع ولی از نظر عمق فاقد اقتدار لازم بود، زیرا مصوباتش از حد توصیه فراتر نمی‌رفت.

بررسی نظریه تصمیم‌گیری^۸ در مورد روند وحدت اروپا

از لحاظ نظری و فرایند تصمیم‌گیری، روند وحدت اروپا با مشکل تصمیم‌گیری مشترک و واحد در برخی زمینه‌ها مواجه است. چون اصولاً روابط بین‌الملل در یک شبکه تصمیم‌گیری عمل می‌کند و نظام بین‌المللی دائماً در حال تصمیم‌گیری است - و می‌توان گفت که مرحله نهایی تمامی نظریه‌های روابط بین‌المللی قبل از اجرای همین مرحله تصمیم‌گیری است - کشورهای اروپای غربی بر اساس منافع ملی خود و سایر متغیرها^۹ و عوامل و آلترناتیوها،^{۱۰} مشکل تصمیم‌گیری دارند.

بنابراین می‌توان گفت که تا این عوامل بازدارنده اتخاذ تصمیم مشترک در میان اعضای جامعه اروپایی^{۱۱} از بین نرود، امکان تصمیم‌گیری در خصوص آینده روند وحدت اروپا در آینده نزدیک امکان‌پذیر نیست و تا زمانی که یک قدرت فوق ملی و مرجع و یا پارلمانی که بتواند تصمیمات الزام‌آور و قابل‌اجرائی بگیرد ایجاد نشود، فرایند تصمیم‌گیری دچار اختلال شده، تصمیمات گرفته شده از پشتوانه و ضمانت اجرایی محکمی برخوردار نخواهند بود.

بررسی روند وحدت اروپا از حیث تئوری تجزیه و تحلیل سیستمی^{۱۲}

ضرورت بررسی این تئوری از آنجا نشأت می‌گیرد که آیا اگر اتحاد اروپا تحقق یابد، بالاخره در سیستم بین‌الملل تحولاتی ایجاد خواهد شد و یا اینکه پیش شرطهای سیستم بین‌المللی قبلی

-
- | | |
|------------------------------|-----------------------------------|
| 4. Federalism | 5. Supranationality organizations |
| 6. Cooperation | 7. Council of Europe |
| 8. Decision Making Theory | 9. Parameters |
| 10. Alternatives | 11. European Community |
| 12. Systemic Analysis Theory | |

برای ایجاد تغییر و تحول، مساعد خواهد بود یا نه و چه نظریات سیستماتیک، راه را برای تغییر تحول نظام فعلی بین‌المللی در مورد وحدت اروپا، مساعد پیش بینی می‌کند؟ این تئوری بر این اساس است که میان اجزای هر سیستم ارتباط ارگانیک^{۱۳} وجود دارد و هر تغییر و تحولی در خود سیستم یا زیرسیستمها^{۱۴} مثل موجی در سایر اجزا سرایت می‌کند. "ریمون آرون"^{۱۵} و "دیوید ایستون"^{۱۶} از مشهورترین نظریه پردازان این تئوری هستند. ضمن توجه به اهمیت قدرت در روابط بین‌الملل، یک چهارچوب سیستمی را برای تحلیل پدیده‌های بین‌المللی مفید می‌داند. وی نظام بین‌المللی را به صورت دو قطبی و چند قطبی بررسی می‌کند و به نظر او هدف نظام چند قطبی، جلوگیری از تسلط یکی از دو قطب بر جهان است و بوضوح می‌بینیم که یکی از مهمترین انگیزه‌های وحدت اروپا هم، مقابله با نظام دو قطبی و مبارزه و رقابت با آمریکا از نظر اقتصادی بوده است. در این تئوری به نظریات دو تن دیگر از افراد برجسته و صاحب‌نظر یعنی "مورتون کاپلان"^{۱۷} و "رزکراس"^{۱۸} به طور خلاصه اشاره می‌کنیم:

کاپلان کل نظامهای بین‌المللی را به شش نوع تقسیم می‌کند و یکی از آنها را نظام دو قطبی منعطف می‌نامد که دارای معادل تاریخی است و مصداق این مدل به نظر وی، دوران پس از جنگ جهانی دوم و از خصائص آن وجود سلاحها و زرادخانه‌های اتمی است. در این مدل وی، امکان شکل‌گیری یک زیر سیستم و بازیگر غیر بلوکی وجود دارد. با مطابقت سیستم دو قطبی کاپلان با وضعیت کنونی بین‌المللی، می‌توان وجود و یا تشکیل یک زیر سیستم بین‌المللی مثل اتحاد اروپا را در کنار این دو ابر قدرت ممکن دانست.

رزکراس نیز در تحلیل نظامها، تاریخ اروپا را در طی ۲۲۰ سال (۱۷۴۰ تا ۱۹۶۰) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و آن را به ۹ برهه تقسیم می‌کند؛ سپس کل این ۹ برهه را به دو نوع مدل متعادل و نامتعادل تقسیم بندی می‌کند. نتیجه‌ای فرعی که رزکراس از مقابله نظامها می‌گیرد این است که چون سه نظام از چهار نظام بی ثبات، دارای ترکیب دو قطبی بوده‌اند، پس نظامهای چند قطبی یا حداقل سه قطبی از ثبات بیشتری برخوردارند و در این نظامها تمایل برای کاربرد دیپلماسی و مذاکرات سستی جهت تأمین اهداف ملی بیشتر خواهد بود.

13. Organic

15. Raymond Aron

17. Morton A. Kaplan

14. Subsystems

16. David Easton

18. Richard Rosecrance

در نظر دسته‌ای دیگر مثل "سینگر"^{۱۹}، "گالتونگ"^{۲۰} و "اشپیل"^{۲۱}، روابط بین‌المللی به صورت سلسله مراتبی از بازیگران معرفی می‌شود که در آن "تشکلهای منطقه‌ای"^{۲۲} به عنوان یک فرایند مستقل مطرح نیستند، بلکه مرتبه بازیگران بر اساس میزان مشارکت آنها در بازار جهانی کار به حالت تابع و متبوع مشخص می‌شود.

در مقابل نظریه‌های فوق که امکان همگرایی و ابتکار عمل مستقل منطقه‌ای را زیر سؤال می‌برند، کسانی هم وجود دارند که در عین قبول وزنه نظام بین‌المللی و نقش تعیین کننده آن در مسائل بین‌المللی، به تمامیت و یکپارچگی این نظام که در برگیرنده تمامی سطوح روابط بین‌الملل باشد، قائل نیستند.

"اوران یونگ"^{۲۳} از جمله کسانی است که اکتفا کردن به مدلهای دو قطبی و چند قطبی را برای تشریح سیاست بین‌المللی کنونی کافی نمی‌داند، بلکه معتقد است باید از یک طرف به تأثیرهای متقابل محورهای اصلی قدرت بر یکدیگر که حوزه سیستم اصلی را تشکیل می‌دهند و از طرف دیگر به تأثیرهای متقابل بین این دو حوزه و حوزه‌های محدودتر در سطح منطقه توجه شود.

در اینکه نظام کنونی روابط بین‌المللی که بر اساس مدل دو قطبی توصیف می‌شود، نظامی جهان‌شمول است و بر بسیاری از ابعاد زندگی بین‌المللی سایه می‌افکند، شکی نیست لکن کنشهایی نیز صورت می‌گیرد که ناگزیر مشمول این نظام قرار نمی‌گیرند و می‌توانند در قالب مطالعات منطقه‌ای مورد بررسی قرار گیرند؛ مانند مسأله اتحاد اروپا^{۲۴}

بررسی تاریخی، توصیفی و حقوقی روند وحدت اروپا

فکر وحدت اروپا از جمله مسائلی است که در تاریخ این قاره دارای سابقه‌ای طولانی است و ریشه‌های آن به لحاظ داخلی به قرون پس از میلاد مسیح (ع) و کلیساهای کاتولیک و پروتستان و مسائل عمده‌ای که در ارتباط با دیپلماسی اروپا در قبال سایر نقاط جهان مطرح بوده و خطرهایی که در این راستا اروپا را تهدید می‌کرده، بازمی‌گردد. بنابراین تحقق وحدت اروپا،

19. David Singer

20. Gultong

21. Spiegel

22. Regional formation

23. Oran young

۲۴. لیکن باید توجه داشت که میزان عمل و آزادی فعالیت هر زیر سیستم تا حد زیادی به انسجام یا انعطاف این سیستم بستگی دارد.

فکر دیرینه‌ای است و پیشینه‌هایی از آن در قرن ۱۷ و سراسر قرن ۱۸ و ۱۹ به چشم می‌خورد.^{۲۵} اما وحدتی که در اینجا مراد است، حرکتی است که بعد از جنگ جهانی دوم شروع شده و در حال شکل‌گیری است و بناست که در دهه ۹۰ به ثمر بنشیند. جلوه‌های این تفکر در سراسر اروپا خود معرف زمینه‌های مساعد فرهنگی است، زمینه‌هایی که به عقیده بعضی عمده‌ترین عامل و اولین شرط برای وحدت و همگرایی محسوب می‌شود؛ از این رو، از همان ابتدای سالهای ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ اولین جنبشهای وحدت طلبانه اروپایی (مانند اتحادیه اروپایی فدرالیست، گروه لیگ اروپایی، جنبش لیبرال برای اتحاد اروپا) شکل گرفته و در سال ۱۹۴۸ کنگره‌ای در لاهه تشکیل شد. این کنگره اهمیت تاریخی، حقوقی یافت و موجب جنبش مشترک اروپا و اتحاد جنبشها و گروههای گوناگون شد.

همه این گروهها علی‌رغم اعتقادات متنوع ارائه شده، پیامی مشترک برای اروپاییان ارسال داشتند که مهمترین اصل آن "اروپای متحد و آزاد" بود. جمع‌بندی و نتیجه آن پیام، تشکیل شورای اروپا بود که در قسمت آغازین مقاله به آن اشاره شد.

در سال ۱۹۵۰ اعلامیه "شومان" وزیر خارجه وقت فرانسه مبنی بر پیشنهاد تولید مشترک زغال و فولاد توسط فرانسه و آلمان منتشر شد. پیشنهاد مذکور در سال ۱۹۵۱ در لوکزامبورگ با شرکت ۶ کشور بلژیک، هلند، فرانسه، ایتالیا، آلمان غربی و لوکزامبورگ به تصویب رسید و به "اتحادیه ذغال و فولاد اروپا"^{۲۶} موسوم گشت. این اتحادیه، چهارچوب ادغام اروپا را تثبیت کرد و به دنبال آن، طبق معاهده ۱۹۵۴ پاریس، جامعه اروپا تأسیس شد و سپس، معاهده رم در سال ۱۹۵۷ در جهت ایجاد بازار واحد شکل‌گرفت و بدین ترتیب "جامعه اقتصادی اروپا"^{۲۷} و "جامعه انرژی اتمی اروپا"^{۲۸} تشکیل شد.

اهداف اصلی معاهده رم، حفظ و تحکیم صلح، ایجاد منطقه‌ای با آزادی حرکت کالاها، نیروی کار، خدمات، سرمایه و در نهایت تحقق یک اتحاد سیاسی بود.

پس از امضای معاهده رم، موانع تجاری رو به کاهش نهاد و تعرفه‌های گمرکی میان

۲۵. ژان کلود ماسکله، وحدت سیاسی اروپا؛ ترجمه محمود صور اسرافیل، انتشارات مرکز عالی مطالعات بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، اسفند ۱۳۵۵، ص ۱

26. European Coal and Steel Community

27. European Economic Community (E.E.C)

28. European Atomic Energy Community (Euratom)

کشورهای عضو جامعه اروپا تا سال ۱۹۶۸ از میان رفت. این امر یکی از عمده‌ترین عواملی است که در تقویت عملکرد اقتصادی اروپا بعد از این تاریخ، نقش مؤثری داشته است. روند اتحاد اروپا، فراز و نشیبهای زیادی را پشت سر گذاشته است؛ گاهی در اثر بروز بعضی شرایط و حاکمیت بعضی اشخاص و یا طرز تفکرها، تلاش برای تحقق و انجام دادن آن جدی بوده و گاهی در اثر فقدان آن شرایط و زمینه‌ها، روند آن کند شده است.

در سال ۱۹۷۰، سران عضو در پاریس گرد آمدند و طی اعلامیه‌ای اعلام کردند که قبل از خاتمه دهه ۷۰، مجموع روابط و مناسبات خود را به یک وحدت اروپایی مبدل سازند، اما تحریم نفتی ۱۹۷۳ و فشارهای سیاسی آن باعث شد که جریان اتحاد برای مدتی به تعویق بیفتد. یک سلسله وقایع مثل درگذشت "ژرژمپیدو" و کنار رفتن "ادوارد هیس" و "ویلی برانت" نخست وزیران انگلیس و آلمان هم به این جریان رکود دامن زد، ولی با این وصف، باز هم تلاشها برای وحدت ادامه یافت و در همان سال ۱۹۷۳ کنفرانس سران در ماه دسامبر در پاریس تشکیل شد و به نخست وزیر بلژیک، "تیندمن"، مأموریت داده شد تا طرحی برای وحدت اروپا تنظیم کند. وی نیز در دسامبر ۱۹۷۵ این طرح را تهیه و به شورای اروپایی (۶) تسلیم کرد. با کارکردن روی آن گزارش و تجدید نظر در معاهده رم در سال ۱۹۸۲ در اجلاس شورا در کپنهاگ و سپس تصویب آن در سال ۱۹۸۵، در میلان، سند واحد اروپایی به امضا رسید.

بنابراین در دهه ۱۹۸۰ حرکت به سوی ادغام از سر گرفته شد؛ زیرا به دنبال رکود دهه ۷۰، سران اروپا به این نتیجه رسیده بودند که افزایش موانع تجاری، نمی‌تواند رشد اقتصادی را بهبود بخشد و کاهش رشد را ناشی از عدم انعطاف پذیری اقتصادی دانستند. افزایش رقابتهای ژاپن و آمریکا هم مسأله ادغام را شتاب بخشید.

زمینه‌های تحول و عوامل شتاب دهنده در روند اتحاد اروپا

۱. یکی از مهمترین زمینه‌ها و انگیزه‌هایی که اتحاد اروپا را در بعد اقتصادی و سایر ابعاد مطرح ساخت، رقابت و مقابله اقتصادی و سیاسی با آمریکا بود. اروپاییان بویژه ناسیونالیستهای افراطی این قاره مثل فرانسه، از حضور اقتصادی سیاسی و نظامی آمریکا در قاره اروپا ناراضی بودند و هم اکنون هم ناراضی‌اند؛ از این رو گاهگاهی اعتراض خود را با طرح بهانه‌های حضور نظامی آمریکا در اروپا و خطرهای احتمالی استقرار موشکهای اتمی قاره پیمای آمریکا ابراز

۲. اروپا حاضر نبود و نیست که به لحاظ اقتصادی به صورت کارخانه تبدیل کالاها و مواد آمریکا درآید؛ از این رو، باید خود را به مقام یک رقیب شدید اقتصادی بالا می‌کشید.
۳. مدیریت و تدبیر رجال و مسئولان اروپایی، فهم درک صحیح از توان بالقوه درونی جوامع خویش، اعتماد به نفس و بهره برداری صحیح از ابزار و اهرم سازمان و تشکیلات در فعالیتهای نظام‌مند و منسجم از یک سو و فرهنگ کار و فعالیت با انگیزه‌ای تمام ناشدنی و خستگی‌ناپذیر و رشد و آگاهی سیاسی اجتماعی مردم از سوی دیگر، به مثابه مهمترین قوه محرکه و موتور درونی این جامعه، برای رشد بذره‌های اتحاد در اروپا، زمینه‌هایی بس مناسب و حاصلخیز فراهم ساخت.
۴. کشور ژاپن و رشد سریع اقتصادی آن زنگ خطری بود برای اروپا که باید برای جلوگیری از خرد شدن زیر ضربات و تهاجمات آن سرعت خود را آماده می‌کرد و این کار شدنی نبود مگر با وحدت کشورهای این قاره و اقدامات جدی و مشترک اقتصادی.
۵. رقابت بر سر جهان سوم، کشمکشهای اقتصادی و تجاری حادی را برای دستیابی به بازارهای این کشورها، بین اروپا و آمریکا به وجود آورده که خود عامل شتاب‌دهنده دیگری به روند وحدت اروپاست؛ زیرا یکپارچه شدن اروپا نتیجه‌ای طبیعی به دنبال دارد و آن کاهش نفوذ اقتصادی سیاسی آمریکا در جهان سوم است.
۶. یک اروپای متحد، راحت‌تر می‌تواند به بازارهای بکر جمهوری فدراتیو روسیه و کشورهای مشترک المنافع تازه استقلال یافته آسیای میانه (شوروی سابق) و اروپای شرقی دست یابد و آنجا را میدان بلامنازع تاخت و تاز خود سازد. عواملی عمده از جمله نزدیکی جغرافیایی، فرهنگی، تاریخی و امنیتی بسیار بیشتر از آمریکا و ژاپن از دلایل توجه اروپا به بلوک شرق است، بویژه آنکه اروپا بسیار آسانتر می‌تواند از راههای مختلف از جمله اعطای وامها و اعتبارات کلان، راه نفوذ و رخنه‌سیاسی خود را هموار سازد.
۷. از دیگر عوامل شتابزا در روند وحدت اروپا وجود کشورهای موافق با روند وحدت مثل فرانسه و آلمان، در داخل جامعه اقتصادی اروپا است. فرانسه کشوری است که بلا تردید در جنبش وحدت طلبانه در اروپا جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده و لقب پیشتاز جنبش وحدت اروپا را از آن خود ساخته است. همچنین حمایت از اتحاد اروپا در انطباق کامل با برنامه‌ها و استراتژی کشور آلمان است و کاملاً آگاهانه صورت گرفته است. آلمان از لحاظ سرعت و کیفیت در این مسیر آنچنان پیش رفت که طی مدت کوتاهی به دلیل کسب مقام نخست در صادرات میان کشورهای عضو، لقب لوکوموتیو بازار مشترک به آن اعطا شد، ولی باید

اذعان داشت که مهمترین زمینه‌ها و عوامل تسریع روند اتحاد اروپا، موفقیت‌های بازار مشترک اروپا بوده که اجمالاً به اهم آنها اشاره می‌شود.

موفقیت‌های بازار مشترک اروپا

بازار مشترک نه تنها موفق شد تا سال ۱۹۷۰ به بسیاری از اهداف تعیین شده اقتصادی خود نایل شود، بلکه در زمینه صدور سرمایه، رقابت با آمریکا را آغاز کرد و حتی به نظر برخی کشورها مثل فرانسه و آلمان، عاملی که موجب تحول در اروپای شرقی و شوروی سابق شد، نتیجه موفقیت‌های جامعه اقتصادی اروپا بوده است.

در این زمینه، بی‌مناسبت نیست که برخی آمارها را از نظر بگذرانیم. آمار، گویای این واقعیت است که بازار مشترک اروپا در اقتصاد دنیا نقش بزرگی دارد؛ برای مثال می‌توان گفت که در سال ۱۹۷۳، سهم آن در تجارت جهانی ۴۰/۳ درصد بوده است، همچنین در سال ۱۹۸۵ از مجموع ۴۰۰۰ میلیارد دلار تجارت جهان، تقریباً ۱۲۱۹ میلیارد دلار آن متعلق به این بازار بوده است.

در طول مدتی که از تأسیس بازار مشترک می‌گذرد، موفقیت‌های چشمگیری نصیب این جامعه شده است. تمام طبقات مردم کم و بیش از رفاه اقتصادی برخوردار شده‌اند، کارگرانی که صاحب خانه شده‌اند و خانواده‌های متوسط که سهام صندوق‌های تعاونی را خریده‌اند، ثروت جدید و قابل ملاحظه‌ای را وارد اقتصاد اروپا کرده‌اند.

اما مردمی که بعد از جنگ جهانی دوم و پس از تأسیس جامعه اقتصادی اروپا به دنیا آمده‌اند، فقط ثروتمند نیستند، بلکه به واسطه گذشته آرامی که در سایه صلح و رفاه اقتصادی داشته‌اند، نسبت به آینده هم اطمینان خاطر می‌دارند که پدرانشان هرگز نداشتند.

کشورهای عضو در همه زمینه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی، همکاری‌های خوبی با یکدیگر دارند که ناشی از منافع مشترک بازار در صحنه بین‌المللی است. از جمله می‌توان به همکاری سیاسی اروپا در سیاست خارجی و ساخت تسلیحاتی مانند موشک اروپایی میلان، سیستم رولاند، تولید جنگنده "تورنادو" در شاخه نظامی، مبارزه با تروریسم بین‌المللی در بخش سیاسی، حذف تدریجی تعرفه‌های گمرکی در میان اعضا، توافق بر سر ایجاد بازار مشترک داخلی تا پایان ۱۹۹۲ در امور اقتصادی، اتحاد پولی در اول ژانویه ۱۹۹۴ و ایجاد بانک مرکزی واحد، به جریان انداختن پول واحد تا سال ۱۹۹۹ و حتی انتخاب زبان بین‌المللی "گلو سا" به عنوان زبان بین‌المللی رسمی جامعه اروپا اشاره کرد (۷).

در زمینه‌های حقوقی و قانونگذاری، برای شورای وزیران که یک رکن اجرایی بین دولتهای اروپایی است، اختیارات بیشتر و برتری نسبت به کمیسیون که یک رکن کاملاً اروپایی است پیش‌بینی گردیده است. اگر طبق گفته "هانس ج. مورگتا" بین حاکمیت داشتن اتوریته عالی با وضع قوانین و اجرای قوانین به وسیله قدرت برتر، رابطه‌ای وجود دارد، کمیسیون دارای اختیارات قانونگذار نیست، لکن از آنجایی که پیشنهادهای کمیسیون قابل اصلاح نیست مگر با تصمیم و موافقت همه اعضای شورای وزیران، در حقیقت به نوعی اختیار قانونگذاری را داراست.

مصوبات پارلمان اروپایی (شامل مصوبات مذکور در پاراگرافهای اول و دوم نوشتار حاضر) نیز از موفقیتها و پیشرفتهای جامعه اقتصادی اروپاست که به طور چشمگیری در روند اتحاد اروپا مؤثر بوده است. در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۸۱ "هانس دیتریش گنشر" وزیر امور خارجه آلمان فدرال و "امیلیو کلمبو" وزیر امور خارجه ایتالیا، طرح ابتکاری "قانون اروپای واحد" را برای تحقق اتحاد به پارلمان تقدیم کردند. در ۶ ژوئیه ۱۹۸۲، پارلمان رئوس اساسی طرح مزبور را از تصویب گذراند، در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۳ پارلمان با اکثریت آراء طرح مقدماتی عهدنامه اتحادیه اروپا را به تصویب رساند، طرحی که قرار است به صورت قانون اساسی جامعه اروپایی درآید. در ۲۸ فوریه ۱۹۸۶، قانون اروپای واحد به امضای وزرای امور خارجه کشورهای عضو رسید. پس از تصویب پارلمان در سال ۱۹۸۷، ایجاد بازار بزرگ داخلی در پایان سال ۱۹۹۲ به منظور آزادی کامل انتقال کالا، سرمایه، افراد و خدمات، هدف قرار گرفت.

قانون اروپای واحد، اختیارات و صلاحیت پارلمان اروپایی را افزایش داد. الحاق هر عضو جدید به "جامعه اروپایی" به موافقت پارلمان موکول گردید و رعایت نظر پارلمان در مسائل مربوط به سیاست خارجی توصیه شد.

اما موفقیتهای بازار مشترک اروپا در زمینه امور دفاعی، نظامی و امنیتی هم قابل توجه است. عوامل متعددی وجود دارند که می‌توانند به حرکت تدریجی اروپا در مسیر تا حدودی مستقل از امریکا، کمک کنند که مهمترین آنها ناتوانی امریکا در ادامه کمکهای نظامی به اروپاست. این امر موجب خواهد شد تا اروپاییها به طور جدی‌تری به مسائل دفاعی خود پردازند.

با توجه به تمایلات فرانسه، آلمان و احياناً ایتالیا و بلژیک، برای برنامه‌ریزی در جهت یک نیروی دفاعی و امنیتی مستقل اروپایی که بتواند به کمک تسلیحات هسته‌ای، کلاسیک و

جنگ‌افزارهای پیشرفته و مدرن اروپایی، یک سیاست نظامی واحد را برای اروپای متحد به وجود آورد، راه را برای یک سیاست خارجی مستقل اروپایی هموار خواهد ساخت؛ اخیراً فرانسه و آلمان، سایر کشورهای اروپای غربی را به پیوستن به یک سپاه نظامی "فرانکو-ژرمن" که از دیدگاه آنان مبنای یک ارتش آینده اروپایی است، دعوت کرده‌اند. با توجه به آنچه گفته شد، اروپا به دنبال آن است تا با داشتن چنین امکاناتی بتدریج و دور از هیاهو برای همیشه بتواند عذر برادر بزرگتر، امریکا، را بخواهد*.

مشکلات و عوامل بازدارنده روند وحدت اروپا

الف) مشکلات داخلی و منطقه‌ای

مشکلات و عوامل منفی بازدارنده روند وحدت اروپا را می‌توان در دو قسمت مشکلات داخلی و منطقه‌ای و مشکلات بین‌المللی مطرح کرد. در کل، مشکلات و عوامل بازدارنده روند وحدت، بسیار بیشتر از آن است که رهبران سیاسی جامعه اروپایی تصور می‌کنند. این مشکلات یا در حال حاضر موجودند و به عنوان عامل منفی عمل می‌کنند و یا اینکه پس از یکپارچگی بازار اروپا به وجود خواهند آمد.

تنوع و گوناگونی دوازده کشور عضو جامعه اروپا از حیث زبان، فرهنگ، نژاد، سیاست خارجی، سیستم رفاه اجتماعی، شکل حکومتی، امور دفاعی، سیاستهای مالی و پولی و اقتصادی، استراتژیهای مالی و خدمات مالی، مناقشات کارگری، سیاستهای بانکداری، بیمه، صنایع و حرف، مشکل بیکاری شرکتها و سرمایه‌گذارهای خارجی، همه و همه بمراتب بیشتر از ۶ کشوری است که معاهده اصلی را در رم امضا کردند و بازار مشترک را تشکیل دادند.

جامعه اقتصادی اروپا که اینک از دریای اژه تا دریای شمال گسترده است، تمام ممالک اروپای غربی را دربر می‌گیرد؛ اینها اقتصادهای بسیار متفاوتی دارند، از اقتصادهای بسیار پیشرفته گرفته تا وضعیت اقتصادی نزدیک به جهان سوم. بنابراین حتی برای پرشورترین هواداران اتحاد اروپا، این موضوع مسلم نیست که تا تاریخ تعیین شده، بتوانند به هماهنگی کامل دست یابند و نظام جدید را مستقر کنند؛ چون برای این کار لازم است غیر از امور دفاعی، سیاست خارجی و سیستم رفاه اجتماعی در خصوص ۳۰۰ پیشنهاد دیگر، موافقت نامه‌هایی امضا شود.

* برای اطلاع بیشتر راجع به ارگانهای جامعه اروپا به بخش ضمیمه مراجعه کنید.

در حقیقت جامعه اروپا به جریانی دامن زده که چیزی از یک "انقلاب اقتصادی" کم ندارد. جامعه اروپا در نیل به اتحاد نه تنها باید موانع موجود در مسیر راه خود را از میان بردارد، بلکه قواعد بازی بخصوص بازی اقتصادی را نیز باید تغییر دهد و علاوه بر آن باید بر همه مشکلات و موانع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظام آموزشی و... چه در بعد داخلی و چه در بعد بین‌المللی - که پس از این به آن پرداخته خواهد شد - فایق آید. در نهایت، رهبران جامعه اروپا مجبورند نشان دهند که آیا شجاعتی برابر آرزوهای خود دارند یا خیر؟

ب) مشکلات بین‌المللی

با وجود تمامی مشکلاتی که در سطح منطقه‌ای و داخلی در مقابل وحدت اروپا وجود دارد، مشکل نهایی ناشی از شرایط بین‌المللی و به طور اخص ساختار نظام بین‌المللی است. موانع بین‌المللی در راه اروپای ۱۹۹۳ از موانع و مشکلات داخلی آن کمتر نیست. برشمردن موانع و عوامل باز دارنده بین‌المللی روند وحدت اروپا بدون توجه خاص به روابط و موضعگیریهای آمریکا و سایر ابرقدرتهای اصلی امکان پذیر نیست. هیچیک از قدرتهای بین‌المللی مثل آمریکا و جمهوری فدراتیو روسیه، به تشکیل چنین اروپای قدرتمندی تمایل ندارند. هنوز نمی‌توان از موضع آمریکا پیش‌بینی دقیقی به عمل آورد. بی‌شک آمریکا در جهت توقف روند وحدت اروپا تلاش خواهد کرد و در این راه احتمالاً از اختلافات داخلی این قاره بهره خواهد گرفت، از ایجاد هرگونه بحرانی که موجب تضعیف وحدت اروپا گردد خشنود خواهد بود؛ چون این کار را روزه‌ای برای تداوم حضور خود در آینده اروپا می‌داند و به همین علت است که از بحران کشورهای اروپای شرقی مانند یوگسلاوی و در نهایت تجزیه آن حمایت می‌کند.

گرچه موضعگیریهای اولیه آمریکا نسبت به بازار مشترک اروپا چندان منفی نبوده است و آمریکا گمان می‌کرد که احیای نسبی اقتصاد اروپا برای مقاومت در مقابل کمونیسم ضروری است و حتی پس از جنگ جهانی دوم در این جهت "طرح کمکهای اقتصادی مارشال" را برای کشورها اروپایی عملی ساخت، ولی پس از موفقیت‌های چشمگیر اقتصادی بازار مشترک اروپا، واکنش آمریکا در قبال اروپای واحد تغییر کرد و سران آمریکا از آینده قدرتمند اروپا به عنوان یک رقیب اقتصادی احساس خطر کردند.

نتیجه‌ای که از مواضع شوروی سابق در قبال روند اتحاد اروپا می‌توان گرفت این است که شوروی سابق در اواسط دهه ۸۰ ابراز می‌کرد که به هر میزان که دولتهای جامعه اروپایی به

صورت یکپارچه عمل کنند، شوروی تلاش خواهد کرد که در زمینه مسائل مشخص بین‌المللی با آنها همراهی کند.

آنچه عامل تعیین کننده و محور اصلی در سیاستها و برنامه‌های جمهوری فدراتیو روسیه محسوب می‌شود، این است که اگر قرار باشد جهان دو قطبی فعلی جای خود را به نظام جدیدی بدهد، این نظام نباید نظام تک قطبی به سرکردگی آمریکا باشد. آنچه در جهت شکل‌گیری نظام چند قطبی و تقویت کننده آن باشد، در راستای منافع و مصالح شوروی سابق ارزیابی می‌گردد، گرچه یکی از متغیرهای تعیین کننده آن، تحقق وحدت در اروپا باشد.

موضع انگلستان را در قبال جامعه اقتصادی اروپا و فراتر از آن وحدت اروپا در سالهای مورد بحث، نمی‌توان در یک کلمه خلاصه کرد. موضع این کشور در قبال روند وحدت اروپا تا اواخر دهه ۵۰، موضعی کاملاً منفی، بازدارنده و در مواردی خشنی کننده بود، ولی در دهه ۷۰ موضع انگلستان نسبت به بازار مشترک اروپا تغییر کرد و بنا به توصیه آمریکا و همچنین بر اساس سیاستهای داخلی خود انگلستان، عضویت در بازار مشترک را پذیرفت ولی پس از عضویت نیز به عنوان عامل بازدارنده روند وحدت اروپا عمل کرده است. به اعتقاد بسیاری علت مخالفت انگلیس با این روند چیزی نیست جز اینکه این کشور بر اساس سیاست دیرینه‌اش بر این باور است که باید همیشه به عنوان امپراتور اروپا باقی بماند و همواره یک سرگردن از سایر کشورهای اروپایی بالاتر باشد. در خصوص وحدت اروپا نیز انگلستان مدعی است باید به عنوان رهبر سیاسی محسوب شود. بنابراین انگلیس معتقد است که باید اروپا میدان فعالیت تجاری آزاد باشد، میدانی که آمریکا هم به نحوی در آن حضور داشته باشد، بلکه بر آن مسلط باشد. انگلیس این سلطه را بر تسلط آلمان ترجیح می‌دهد و این مطلب، هسته اصلی سیاست انگلیس در اروپاست. ولی در این نکته این واقعیت نهفته است که جامعه اروپا با داشتن انگلستانی که به روند اتحاد اروپا کمک کند و نه سنگ اندازی، نیرومندتر خواهد بود.

تحولات و اصلاحات در کشورهای اروپای شرقی و نیز شوروی سابق، موجب شد که آلمانها به خواست دیرین خود جامعه عمل پوشانده، آلمان یکپارچه را به وجود آورند. در واقع به نظر آلمانیها از خانه مشترک آلمان، می‌توان به خانه مشترک اروپا رسید، ولی در عین حال وحدت دو آلمان پیامدهایی هم دارد که احتمالاً برای آینده روند وحدت اروپا نگران کننده خواهد بود و آن اینکه آلمان متحد، ممکن است اروپای ۱۹۹۳ را جدی نگیرد و خواهد خارج از جامعه اروپا نقشی برای خود قابل شود و با جمعیت و قدرت اقتصادی و

صنعتی برتر، احتمالاً نقش مسلط بر اروپای آینده را در ذهن خود پیوردد؛ در نتیجه این بار بدون خونریزی و جنگ بر اروپا مسلط شود و ممکن است در این راه از قدرت نظامی جمهوری فدراتیو روسیه نیز بهره گیرد و به همراهی جمهوری فدراتیو روسیه و فرانسه، حتی مانع اصلی وحدت اروپا، یعنی انگلیس را کنارگذارد و به تسریع روند وحدت اروپا کمک کند.

فرانسه از پیشگامان طرح وحدت اروپا و از مدافعین سرسخت اتحاد همه جانبه کشورهای اروپای غربی است که در مقابل انگلستان موضعگیری کرده است. فرانسه تنها کشوری است که در اروپا دارای نیروی هسته‌ای مستقل است و در "ناتو" هم عضویت ندارد. فرانسه همواره در بعد امنیتی و دفاعی و در سایر ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی هر راه دیگر را که بتواند جایگزین ناتو و نظام امنیتی تحت رهبری آمریکا و نیز حضور سیاسی اقتصادی آمریکا در اروپا باشد ترجیح داده و برای آن فعالیت کرده است و در این مسیر بیشتر، آلمان را درکنار خویش داشته است. ایجاد بریگاد مشترک و ارتش متشکل از فرانکو-ژرمن در این اواخر، نتیجه گسترش همکاریهای دفاعی بین آلمان و فرانسه بوده است.

نتیجه

با همه این توضیحات، هنوز مشخص نیست که تحولات فعلی نظام بین‌المللی چه آینده‌ای را به دنبال خواهد داشت و هنوز مشخص نیست که عمر جامعه مشترک المنافع (جمهوریهای شوروی سابق) تا چه مدت خواهد بود. وضعیت پیمان ناتو و طرح نظام امنیتی اروپای آینده چندان روشن نیست، اتحادیه اروپا هنوز با مقاومتها و مخالفتهایی در درون خود مواجه است و هرکدام از اینها می‌تواند زمینه‌ای را برای حوادث آتی فراهم سازد.

اما یک چیز مسلم است و آن اینکه اروپا طی سالهای آینده یکی از مهمترین کانونهای سیاسی و اقتصادی جهان خواهد بود که بر رخدادهای آینده جهان تأثیرهای شگرفی خواهد داشت. بنابراین روندی که اروپا در پیش گرفته و تحولاتی که در شرف وقوع است، ایجاب می‌کند که جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که ۱. بازرگانی خارجی اش با کشورهای عضو جامعه اروپایی است و بخش قابل ملاحظه‌ای از واردات تکنولوژی، مواد غذایی و محصولات صنعتی ایران از جامعه اروپایی است و صادرات قابل توجهی از جمله نفت (که در سال ۱۹۹۰، ایران بزرگترین کشور صادرکننده نفت به جامعه اقتصادی اروپا شناخته شده) و کالاهای سستی به کشورهای جامعه اروپا دارد و ایران به عنوان کشوری که در دنیا دارای نظر و

رای مستقل و ایدئولوژی و فکر است، نه تنها باید نظاره گر تحولات مهم بین‌المللی بویژه تحولات اروپا باشد بلکه باید این تحولات را در مورد اروپا درست، با دقت و به طور علمی پیگیری و شناسایی کند تا بتواند در مواقع حساس موضع مناسبی در قبال کشورهای مختلف اتخاذ کند. ان شاء الله...

ضمیمه

ارگانهای اساسی جامعه مشترک اروپا

ارگانهای اساسی جامعه مشترک اروپا عبارتند از کمیسیون، شورای وزیران، پارلمان و تریبون قضایی. بعد از ۱۹۶۱ به اهتمام "ژنرال دوگل" شورای اروپا یا شورای سران و شورای وزرای خارجه نیز به ارگانهای اولیه اضافه شد. قسمت عمده مسئولیتها بر دوش کمیسیون و شورای وزیران است.

۱- کمیسیون: کمیسیون ۱۷ نماینده از کشورهای عضو دارد و نقش قوه مجریه جامعه را بر عهده دارد؛ یعنی مصوبات شورای وزیران را به اجرا در می‌آورد. کمیسیون در حقیقت، قلب بازار مشترک و ارگان اروپایی آن محسوب می‌شود. اعضای کمیسیون از سوی دول عضو برای مدت چهار سال منصوب می‌شوند که قابل تمدید نیز هست.

وظایف عمده کمیسیون عبارتند از: اجرای صحیح مفاد قرارداد رم و مصوبات سازمانهای ذی‌ربط با بازار مشترک، ایفای تکالیفی که در صلاحیت خاص خود کمیسیون پیش بینی شده و همچنین مسئولیتهایی که از سوی شورای وزیران به آن محول شده است، شرکت در جلسات شورای وزیران و پارلمان بازار مشترک اروپا و بالاخره ارائه توصیه و پیشنهاد به شورای وزیران.

۲- شورای وزیران: این شورا مرکب از وزرای خارجه ۱۲ دولت عضو است که در جامعه اروپایی نقش قوه مقننه را دارد. شورای وزیران مسئول ایجاد هماهنگی بین سیاستهای کلی اقتصادی دول عضو و اخذ تصمیماتی است که برای تحقق اصول و اهداف پیش‌بینی شده بازار

۳- پارلمان اروپا (پارلمان بازار مشترک اروپا): پارلمان مرکب از نمایندگان احزاب سیاسی اروپا به تعداد ۵۱۸ نفر است. تا قبل از سال ۱۹۸۳ نمایندگان را مستقیماً دولتها تعیین می‌کردند، اما از این تاریخ نمایندگان مستقیماً از سوی مردم انتخاب می‌شوند. پارلمان در این ساختار، نقش قوه قضائیه را دارد و وظایف آن عبارتند از:

- ارائه نظریه‌ها و توصیه‌ها در خصوص وضع قوانین.
- نظارت بر ارگانهای بازار مشترک بخصوص شورای وزیران و کمیسیون. برای مثال پارلمان در خصوص وظایف کمیسیون حق بحث و اظهار نظر و نظارت دارد، لکن اختیار وضع قانون در خصوص وظایف کمیسیون را ندارد.
- پارلمان می‌تواند از طریق استیضاح و رأی عدم اعتماد، کمیسیون را ساقط کند.
- نظارت بر بودجه.

۴- شورای اروپایی یا شورای سران: این شورا مرکب از سران کشور و یا رؤسای دول عضو است و سه بار در سال تشکیل می‌شود. در این جلسات تنها مسائل اقتصادی خاص بازار مشترک مورد بررسی قرار نمی‌گیرد، بلکه رسیدگی به مسائل سیاسی و بین‌المللی نیز در دستور کار آن قرار دارد و بخصوص در سالهای اخیر کوشش به عمل آمده که بازار مشترک به عنوان یک پدیده ارگانیک، موضع واحدی را در خصوص مسائل سیاسی مهم بین‌المللی اتخاذ کند. چون شورای اروپایی خطوط کلی مسائل اقتصادی و سیاسی بازار مشترک را مورد بررسی قرار می‌دهد، رسیدگی به جزئیات امور و جنبه‌های اجرایی آن تنها به عهده شورای وزرای خارجه بازار مشترک است. شورای وزرای خارجه در هر سال چهار بار تشکیل می‌شود و وظیفه مهم آن ایجاد هماهنگی در سیاستهای خارجی دول عضو است. در واقع شورای سران و شورای وزرای خارجه، نظام همکاری سیاسی بازار مشترک را تشکیل می‌دهند.

۵- تریبون قضایی یا دیوان عدالت: این دیوان، قوه قضائیه جامعه اروپایی است و بر اجرای معاهده رم (۱۹۵۷) که به منزله قانون اساسی بازار مشترک است، نظارت می‌کند. طبق معاهده رم دیوان مرکب از ۹ قاضی بود که به ۱۳ قاضی و ۶ وکیل دعاوی (دارای نقش دادستان) افزایش یافته است. مسئولیتهای دیوان دادگستری بازار مشترک اروپا به شرح ذیل است:

- رعایت اصول کنوانسیونهای مربوط به بازار مشترک و اجرای صحیح آنها.

- انطباق تصمیمات شورای وزیران با اصول اساسی سازمان.
- رفع اختلاف و عمل در مقام مرجع نهایی در مورد تفسیر اصول اساسی جامعه.

ضمیمه ۲

رابطه ایران با بازار مشترک اروپا

ایران اولین کشوری بود که در سال ۱۹۶۳ با جامعه اقتصادی اروپا موافقت نامه ترجیحی امضا کرد. بر اساس این موافقت نامه، برخی از کالاهای صادراتی ایران به بازار مشترک (مانند فرش، برگه و کشمش) از تخفیفهای گمرکی برخوردار شد. موافقت نامه مزبور چند بار تمدید شد و در سال ۱۹۷۳ پذیرفته شدن نظریات ایران از طرف بازار مشترک، معوق ماند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در ماه مه ۱۹۸۰ کشورهای نهگانه جامعه اقتصادی اروپا به پیروی از سیاست آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را تحریم اقتصادی کردند ولی در عمل، برخی از اعضای آن، بخصوص آلمان فدرال، در اجرای آن کوتاهی کردند.

با توجه به اهمیت روابط ایران با بازار مشترک، برخی آمارها را از نظر می گذرانیم:

در سال ۱۹۸۴ در تجارت خارجی ایران از مجموع ۲۰ میلیارد دلار صادرات ۶/۵ میلیارد دلار آن (۳۲ درصد) و از کل ۱۶ میلیارد دلار واردات، ۵/۶ میلیارد دلار آن (۳۵ درصد) با جامعه اقتصادی بوده است؛ به عبارت دیگر در سال ۱۹۸۴، $\frac{1}{3}$ بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران با این بازار بوده است.

جالب تر از آن ارقام، این است که در سال ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ بترتیب ۳۴ درصد و ۳۸ درصد به صادرات و ۳۸ درصد و ۴۳ درصد به واردات از این بازار اختصاص یافته است. در سال ۱۹۸۵ از مجموع ۸۰ میلیون تن نفت صادراتی ایران، ۲۲/۵ میلیون تن (۳۰ درصد) به کشورهای عضو بازار مشترک فروخته شده است. فراتر از آن بر طبق اخبار جدید، ایران در سال ۱۹۹۰ بزرگترین عرضه کننده نفت به جامعه اقتصادی اروپا در بین کشورهای عضو اوپک شناخته شده است. نشریه اخبار نفت، چاپ وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران ضمن اعلام این خبر در شماره اخیر خود افزود که ایران در سال ۱۹۹۰ حدود ۵۴ میلیون و ۳۱۳ هزار تن نفت به کشورهای یاد شده صادر کرده است، در حالی که این رقم در سال ۱۹۸۹، ۴۸ میلیون و ۸۲۵ هزار تن بوده است.

۶۰ درصد صادرات غیر نفتی ایران به جامعه مزبور بوده است. همچنین...

اصلی نیروگاههای برق ایران، کشورهای آلمان فدرال، فرانسه، ایتالیا و بلژیک بوده اند که ۶ هزار مگاوات از مجموع ۹ هزار مگاوات، یعنی $\frac{2}{3}$ برق مصرفی ایران را تأمین می‌کنند. انتقال تکنولوژی چه در بخش ماشین آلات و چه در بخش صنایع دفاعی نیز به طور کلی از سوی کشورهای یاد شده و بخصوص آلمان فدرال صورت گرفته است؛ به طوری که ۴۳ درصد کالاهای سرمایه‌ای ایران از جامعه مزبور تهیه شده است.

یادداشتها:

(۱) صاحب‌نظران و آگاهان سیاسی روابط بین‌المللی معتقدند، جنگ سرد جدید با ورود قوای شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ و نیز دستور کارتر، رئیس جمهور وقت امریکا مبنی بر ساخت موشکهای استراتژیک MX شروع شد و تا سال ۱۹۸۵ که گورباچف در شوروی به قدرت رسید ادامه داشت. آنان از سال ۱۹۸۵ تا کنون را "دوره تشنج‌زدایی نوین" نامیده‌اند.

(۲) گرچه در اثر تحولات اخیر، اتحاد جماهیر شوروی به جمهوری فدراتیو روسیه تغییر نام داده و جمهوریهایی آن استقلال یافته‌اند ولی شوروی هنوز هم از نظر قدرت نظامی، پس از امریکا، ابرقدرت محسوب می‌شود و ساختار نظام دو قطبی فعلاً برپاست. چنانکه "برژینسکی" مشاور امنیت ملی امریکا می‌گوید:

"ابلهانه است که بگوییم روسیه دیگر ابرقدرت نیست. هرکسی که اندک آشنایی با بودجه و ساختار ارتش و قدرت اتمی و ذخیره و توان تسلیحاتی شوروی داشته باشد او را یک ابرقدرت دائمی می‌خواند." (به نقل از: ابوالقاسم قاسم زاده، "اروپا، محور تحول". روزنامه اطلاعات، ۱۰/۱/۱۳۶۹، ص ۲).

(۳) به نحوی که تغییر و تحولات اخیر بین‌المللی از جمله تحولات کشورهای اروپای شرقی در روی گرداندن از اتحاد جماهیر شوروی (سابق) و برداشته شدن دیوار برلین و در نهایت وحدت دو آلمان، موجب شده که نظام دو قطبی فعلی، واپسین روزهای خود را سپری کند، به طوری که سخن از نظام جانشین به میان آمده و در عمل مشاهده می‌شود که راه به سوی نظام چند قطبی در سیستم بین‌المللی گشوده شده است.

(۴) به طور کلی در طول تاریخ پس از جنگ دوم جهانی، سه شخصیت برجسته یعنی: "رابرت شومان" وزیر امور خارجه فرانسه، "ژان مونه" فرانسوی و اولین رئیس اتحادیه زغال و فولاد و "ادناثر" وزیر امور خارجه آلمان و صدر اعظم این کشور، به عنوان بانیان و معماران طرح وحدت اروپا شناخته شده‌اند. (علی منفرد؛ "اتحاد اروپا در چشم انداز تاریخ"؛

اطلاعات، شماره ۱۹۲۳۷، مورخه ۲۴ دیماه ۱۳۶۹، ص ۱۲).

(۵) لکن باید توجه داشت که میزان عمل و آزادی فعالیت هر "زیرسیستم" تا حد زیادی به عمل یا انعطاف این سیستم بستگی دارد. (به نقل از: احمد نقیب زاده، "موانع بین‌المللی رشد همگرایی در اروپای باختری" نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۵ دیماه ۱۳۶۹، ص ۳۸۰-۳۸۳).

(۶) شورای اروپایی یکی از ارگانهای اصلی جامعه مشترک اروپاست، سایر ارگانهای اساسی آن جامعه عبارتند از: کمیسیون، شورای وزیران، پارلمان بازار مشترک اروپا و تریبون قضایی یا دیوان عدالت. باید خاطر نشان کرد که نام شورای اروپایی یا شورای سران در اساسنامه رم دیده نمی‌شود و نباید آن را با شورای اروپا که مرکب از ۴۱ کشور است و برای بررسی حقوق بشر و دموکراسی و رقابت آزاد در اروپا به وجود آمده اشتباه کرد. این شورا بعد از سال ۱۹۶۱ به اهتمام "ژنرال دوگل" به ارگانهای اولیه بازار مشترک اروپا اضافه گردید.

(۷) جامعه اروپا در صدد است یک زبان بین‌المللی به نام "گلسا" را به عنوان زبان رسمی برای برقراری ارتباط بین کشورهای عضو انتخاب کند. این زبان که ریشه لاتینی دارد نسبت به زبانهای موجود از ویژگیهایی برخوردار است؛ از جمله فقدان گرامر و حجم محدود لغات که در نتیجه یادگیری آن را آسانتر می‌کند (به نقل از: کیهان، شماره ۱۴۴۸۷ مورخه ۱۰ خرداد ۱۳۷۱، ص آخر).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) منابع فارسی

۱. آشوری، داریوش؛ فرهنگ سیاسی؛ تهران: مروارید، چاپ دهم ۲۵۳۷ (۱۳۵۷).
۲. آقابخشی، علی؛ فرهنگ علوم سیاسی؛ تهران: تندر، ۱۳۶۳.
۳. اردلان، علیقلی؛ ابرقدرتی دیگر؛ تهران: وحید، ۱۳۶۲.
۴. افتخاری، قاسم؛ نظریات جدید در علم سیاست (جزوه درسی) تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیمسال اول ۱۳۶۹-۱۳۷۰.
۵. باوند، داوود؛ مسائل سیاسی اقتصادی اروپای غربی (جزوه درسی)؛ تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیمسال اول ۱۳۶۵-۱۳۶۶.
۶. بان، تحولات سیاسی در آلمان غربی (از اشمیت تا کوهل)؛ ترجمه حسن پستا،

- تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
۷. دارابی شریان؛ تحولات سیاسی در فرانسه (از ژیسکار تا میتران)؛ ترجمه ناصر موفقیان؛ تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
۸. دنی شور، آرمان؛ نظام پولی اروپایی؛ ترجمه ایرج علی آبادی؛ تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
۹. رحمانی، علی و اسانه نظر؛ وحدت دو آلمان؛ مجموعه سخنرانیها و مقالات سمینار، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه ۱۳۶۹.
۱۰. رشاد، کاظم؛ اتحادیه اقتصادی اروپا و نگاهی اجمالی به روابط آن با ایران؛ تهران: وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۴.
۱۱. سیف زاده، سید حسین؛ نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل؛ تهران: سفیر، ۱۳۶۹.
۱۲. صدیقی، پرویز؛ تاریخ روابط ایران با کشورهای اروپایی (جزوه درسی)؛ تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیمسال اول ۱۳۶۴-۱۳۶۵.
۱۳. علی بابائی، غلامرضا؛ فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل؛ تهران: سفیر، ۱۳۶۹.
۱۴. قوام، عبدالعلی؛ نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل (جزوه درسی)؛ تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، نیمسال دوم ۱۳۶۸-۱۳۶۹.
۱۵. ماسکله، ژان کلود؛ وحدت سیاسی اروپا؛ ترجمه محمود صوراسرافیل تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران، ۲۵۳۵ (۱۳۵۵).
۱۶. مقتدر، هوشنگ؛ مباحثی در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، بی‌ت.
۱۷. نقیب زاده، احمد؛ تحولات روابط بین‌الملل (از کنگره وین تا امروز)؛ تهران: نشر قوس، ۱۳۶۹.
۱۸. نقیب زاده، احمد؛ تاریخ روابط بین‌الملل از ۱۸۷۰ به بعد (جزوه درسی)؛ تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیمسال دوم ۱۳۶۵-۱۳۶۶.
۱۹. هالشتاین، والتر؛ بازار مشترک اروپا؛ ترجمه هوشنگ نهاوندی؛ تهران: دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۶۱.

(ب) منابع انگلیسی

"Bibliography"

1. Albrecht - carrie, Rene. "One Europe: The Historical Background of European unity." Garden city, Ny: Doubleday, 1965.
2. Allen, D.R.Rummel, and W.wessels, eds. "European political cooperation." London: Butterworth, 1982.
3. Balassa, Bela. "European Economic Integration and Disintegration in the British Isles." London: Allen and unwin, 1977.
4. Birch, A. "political Integration and Disintegration in the British Isles." London: Allen and unwin, 1977.
5. Calleo, David P. "Europe's future: the Grand Alternatives." Newyork horizon press, 1965.
6. Frey-wouters, Ellen. "The Ec and the third world." New york: praeger 1980.
7. Hodges, M.and w. wallace. "Economic divergence in the Ec." London: Allen and unwin, 1981.
8. Jansen, Max. "History of European Integration 1945-1975." Amsterdam: Amsterdam University press, 1975.
9. Kerr, Anthony. "The common market and how it works." Oxford: pergamon 1983.
10. Macridis, Roy C. "Modern political systems." (Europe), sixth ed.N.J: prentice-Hall, Inc, 1987.
11. Plano, Jack C.and olton, Roy. "The International Relations Dictionary." fourth ed. California: ABC-CLIO, 1988.
12. Robertson. David. "The penguin Dictionary of politics." Great Britain. 1985.
13. Taylor, paul. "The limits of European integratin." New york: columbia university press, 1983.

(ج) مقالات (مجلات، روزنامه‌ها)

۱. تفرشیان، بیژن؛ "بازار واحد اروپا و اثرات آن در اقتصاد ما"، مجله تازه‌های اقتصاد، سال اول (اسفند ۱۳۶۸) شماره ۷، ص ۲۰-۲۴.
۲. ثقفی عامری، ناصر؛ "نظام امنیتی اروپای غربی در ارتباط با وحدت اروپا در سال ۱۹۹۲"، سیاست خارجی، سال سوم (دی - اسفند ۱۳۶۸) ش ۴. ص ۶۳۱-۶۴۸.

۳. خالوزاده، سعید؛ "اروپای واحد: چشم انداز اروپا در سال ۱۹۳۳"، مجله سیاست خارجی، سال سوم (مهر - آذر ۱۳۶۸) شماره ۳. ص ۴۶۸-۵۰۰.
۴. رحمانی، علی؛ "پارلمان اروپایی"، مجله سیاست خارجی؛ سال سوم (تیر - شهریور ۱۳۶۸)، ش ۲، ص ۲۱۷-۲۴۶.
۵. طلایی، محسن؛ "اروپای ۱۹۹۲: انگیزه‌ها و پیامدها" اطلاعات سیاسی - اقتصادی سال چهارم (دی و بهمن ۱۳۶۸)، ش ۳ ص ۵۴-۵۹.
۶. قاسم زاده، ابوالقاسم؛ "اروپای محور تحول"، روزنامه اطلاعات اول دیماه ۱۳۶۹، ص ۲.
۷. قریب، هوشنگ؛ "اروپای ۱۹۹۲"، مجله تازه‌های اقتصاد (تیر و مرداد ۱۳۶۸)، سال اول، ش ۲، ص ۱۰-۱۹.
۸. لاریجانی، محمد جواد؛ "مشکلات اروپایی انگلیس" روزنامه اطلاعات مورخه ۶ تیر ۱۳۷۰، ص ۱۶.
۹. مقتدر، هوشنگ. "پیمان ناتو، بررسی تحول روابط امریکا، شوروی و اروپا"، مجله روابط بین‌الملل؛ نشریه مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران، ش ۹ (بهار و تابستان ۱۳۵۶)، ص ۷-۲۵.
۱۰. نقیب‌زاده، احمد؛ "موانع بین‌المللی رشد همگرایی در اروپای باختری"، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شماره ۲۵ (دیماه ۱۳۶۹).
۱۱. ولی بیگ، باقر؛ "بازار مشترک اروپا" به اهتمام سهراب شهابی، گزارش سمینار، ش ۹، تابستان ۱۳۵۶، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۷، ص ۷۵-۸۴.
۱۲. "ایالات متحده اروپا، رویایی مبهم و در انتظار تحقق"؛ کیهان ۶۸/۲/۲۳، ص ۱۶.
۱۳. کیهان؛ ش ۱۴۴۸۷، مورخه ۱۰ خرداد ۱۳۷۱، ص آخر.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی